



اخلاق اقتصادی یزدی‌ها: زمینه‌های شکل‌گیری و دلالت‌های آن برای سیاستگذاری‌های استان

ابوالفضل مرشدی^۱، منوچهر علی‌نژاد^۲

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۷

دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۵

چکیده

در این مقاله، ضمن مرور بر مؤلفه‌های اصلی اخلاق اقتصادی یزدی‌ها، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این نوع خلق و خوی اقتصادی در مردم یزد معرفی می‌شود. سپس میزان پایداری عوامل قبلی و عوامل نوظهور مؤثر بر اخلاق اقتصادی یزدی‌ها در دنیای جدید نیز مرور می‌شود. و در آخر، راهکارهایی برای بهره‌برداری از ابعاد مثبت این اخلاق در راستای تحقق توسعه پایدار و اقتصاد درون‌زا در این استان ارائه می‌گردد. روش مورد استفاده در این تحقیق، روش تاریخی و تحلیلی و اسنادی است. این مقاله با اتکا به میراث پرورش یافته در یزد به عنوان تجلی «خرد ایرانی» و «خرد کویری» (که مهم‌ترین ویژگی آن همزیستی با طبیعت و انسان‌های دیگر و تعادل میان ابعاد مادی و معنوی انسان و جهان است)، در دوراهی «توسعه صرفاً اقتصادی و سودمحور» و «توسعه پایدار و انسان‌محور»، گزینه دوم را برای یزد تجویز می‌کند و در حوزه فرهنگ، به جای حفظ یکدستی فرهنگی شهر، تلاش برای تقویت خودباوری و خودآگاهی فرهنگی یزدی‌ها و نیز تقویت فرهنگ همزیستی با فرهنگ‌های دیگر را توصیه می‌کند.

کلیدواژگان: اخلاق اقتصادی در یزد، سازگاری فعالانه، خرد ایرانی، خرد کویری، توسعه پایدار، همزیستی فرهنگی.

می‌توان هر جامعه را در هر لحظه تراکمی از «سنت‌های آن جامعه دانست که اگر این سنت‌ها نادیده انگاشته شود، در واقع وجود آن جامعه نفی شده است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت سنت‌های هر جامعه‌ای به مثابه تجارب فشرده و عینی مردمان آن جامعه و حامل نطفه «زایش و افزایش خلاقانه» است (فرهادی، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۳) بنابراین توسعه پایدار در هر جامعه زمانی تحقق می‌یابد که توسعه در امتداد سنت آن جامعه و با بهره‌گیری از «پتانسیل فرهنگی» نهفته در آن صورت گیرد و به تعبیری، «صنعت بر فراز سنت» قرار گیرد نه در برابر آن (همان، ۱۳۹۳). اما تنها با بازنگری و در بوتۀ نقد گذاشتن و تصفیۀ دائم سنت است که می‌توان از آن برای دنیای امروز بهره برد و اساساً در پرتو این بازخوانی‌ها و بازاندیشی‌هاست که می‌توان مقتضیات دنیای امروز و نسبت آن با گذشته را شناخت و برای آینده برنامه‌ریزی کرد. به بیان دیگر، یکی از مهم‌ترین عناصری که می‌تواند زنده بودن و اثرگذاری یک جامعه را در عصر جهانی - محلی شدن^۱ و جهان چندفرهنگی حفظ کند، خودآگاهی اعضای جامعه نسبت به سنت‌ها و عناصر فرهنگی خود و به عبارتی، حافظه جمعی^۲ خود (هالبواکس، ۱۹۹۲) و عمل کردن بر اساس این خودآگاهی است (سن، ۱۳۸۸؛ فرهنگ، ۱۳۸۶). و چنانچه اعضای یک جامعه به فرهنگ و سنت خود و نقاط قوت و ضعف آن آگاه نباشند، امکان تداوم و رشد این سنت و فرهنگ با موانع جدی روبه‌رو خواهد شد. ایران جامعه‌ای است که از سنت و میراث فرهنگی غنی برخوردار است؛ از اینرو موفقیت هرگونه برنامه‌ریزی برای آینده این جامعه مستلزم بازشناسی و نقد این سنت و میراث فرهنگی و بهره‌گیری از پتانسیل نهفته در آن است. در ایران بسته به حوزه‌های جغرافیایی - فرهنگی مختلف، سنت‌ها و فرهنگ‌های مختلفی غلبه دارد؛ از جمله برخی از این حوزه‌ها به برخورداری از فرهنگ اقتصادی یا اخلاق اقتصادی خاصی شهره هستند. به عنوان نمونه، آذری‌زبان‌ها، اصفهانی‌ها، یزدی‌ها و برخی دیگر از نواحی کشور به برخورداری از شم اقتصادی، سخت‌کوشی، مقتصد بودن، روحیه کارآفرینی و ... مشهور هستند و کارآفرینان و فعالان اقتصادی برجسته‌ای از این مناطق برخاسته‌اند (شیرین‌کام و





فرجام‌نیا، ۱۳۹۰). با توجه به ضرورت دستیابی به الگوهای محلی و ملی توسعه و حرکت کشور در راستای توسعه پایدار و درون‌زا کردن اقتصاد ملی، به نظر می‌رسد شناخت فرهنگ و اخلاق اقتصادی مردمان هر منطقه می‌تواند به غنی‌تر و واقعی‌تر شدن تصمیم‌گیری‌ها در آن منطقه منجر شود. بر این اساس، در این مقاله قصد داریم ضمن مرور بر مؤلفه‌های اصلی اخلاق اقتصادی یزدی‌ها (مرشدی و علی‌نژاد، ۱۳۹۸)، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این نوع اخلاق اقتصادی در میان مردمان این منطقه را معرفی نماییم و ضمن بررسی عوامل نوظهور در عصر جدید، چگونگی بهره‌برداری از ویژگی خاص یزدی‌ها را برای تحقق توسعه پایدار و اقتصاد درون‌زا در این استان بررسی نماییم.

روش مورد استفاده در بخش نخست این پژوهش، یعنی بخش معرفی عوامل مؤثر بر اخلاق اقتصادی یزدی‌ها، تاریخی تحلیلی است و برای این هدف، از منابع دست اول و دوم تاریخی، یعنی تاریخ‌های محلی یزد (جعفری، ۱۳۸۴ و کاتب، ۱۳۸۶) و تحقیقات تاریخی صورت گرفته در مورد یزد، (افشار ۱۳۷۱ و ۱۳۷۷؛ قلمسیاه ۱۳۷۳؛ میرحسینی ۱۳۸۰؛ تشکری بافقی ۱۳۷۷ و ۱۳۹۲؛ ابویی مهریزی ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ و ۱۳۹۱، مسرت ۱۳۹۵؛ حکیمیان ۱۳۹۴) بهره برده‌ایم. روش مورد استفاده در بخش دوم پژوهش، یعنی شناسایی تغییرات صورت گرفته در عصر جدید و ارائه راهکارهایی برای بهره‌گیری از اخلاق اقتصادی یزدی‌ها در سیاستگذاری‌های استان، عمدتاً نظری و تحلیلی خواهد بود.

«سازگاری فعالانه» به مثابه مؤلفه اصلی اخلاق اقتصادی یزدی‌ها

در مقاله دیگری (مرشدی و علی‌نژاد، در دست چاپ) تشریح شده که می‌توان اخلاق اقتصادی یزدی‌ها را دارای دو بُعد «نگرشی - رفتاری» و «نهادی» دانست. در بُعد نگرشی - رفتاری، «خودساختگی» و «قدرت ترکیب‌گری» به ترتیب ویژگی اصلی اخلاق اقتصادی عامه مردم یزد و تجار - صنعتگران یزدی را تشکیل می‌دهد. همچنین معماری و زندگی همزیستانه، نهاد وقف و خیریه فراگیر، اقتصاد تجاری و صنعت بازفراورانه، مهاجرپذیری و مهاجرفرستی، ویژگی‌های اصلی بُعد نهادی اخلاق اقتصادی یزدی‌ها هستند (نمودار شماره ۱). در تحلیل نهایی، «سازگاری فعالانه» را می‌توان اصلی‌ترین ویژگی یزدی‌ها دانست که تجلی آن در سه بعد به شرح زیر است:

- سازگاری با نظام هستی که در خداباوری و دینداری یزدی‌ها متجلی شده است؛
- سازگاری با محیط طبیعی و اقلیم کویری که در سازه‌ها و معماری همزیستانه و همچنین اقتصاد مبتنی بر تجارت و صنعت بازفراوانه تجلی یافته است؛
- سازگاری با محیط اجتماعی که در پذیرش اقلیت‌های دینی زرتشتی و یهودی در یزد و نیز نداشتن روحیه سپاهی‌گری یزدی‌ها در طول تاریخ و خودداری از حمله آنان به شهرهای همجوار نمود یافته است (مرشدی و علی‌نژاد، در دست چاپ).

عوامل مؤثر در ایجاد اخلاق اقتصادی یزدی‌ها

در جستجوی علل شکل‌گیری این نوع روحیه و اخلاق اقتصادی در میان مردمان یزد، می‌توان از دو دسته عوامل مؤثر سخن گفت: «عوامل ساختاری»^۱ و «عوامل انسانی»^۲. عوامل ساختاری به عوامل غیرارادی و بستمندی اشاره دارد که در قالب مجموعه قید و بندها و شرایط تحمیلی چون شرایط اقلیمی و جغرافیایی و اقتصادی (معیشت) ظهور می‌یابد. در مقابل، عوامل انسانی نشان‌دهنده کنشگری فعالانه و خلاقانه کنشگران و نیروهای اجتماعی است (نگاه کنید به: پاپلی یزدی، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۱). براساس این مدل، هر چند عوامل ساختاری موجود در یزد فرصت‌های خاصی را برای ظهور اخلاق اقتصادی ویژه (که قبلاً شرح داده شد) در این منطقه ایجاد کرده است، اما نوع عمل کنشگران یزدی و نیروهای اجتماعی در طول تاریخ در این منطقه نیز به گونه‌ای بوده که توانسته از فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که ساختارهای جغرافیایی و اقتصادی فراهم نموده، به نحو خاصی استفاده نماید.

براساس مطالعات صورت گرفته می‌توان از نقش مؤثر چهار دسته عوامل ساختاری و چهار دسته عوامل انسانی در شکل‌گیری اخلاق اقتصادی یزدی‌ها نام برد. عوامل ساختاری عبارتند از: ۱- شرایط اقلیمی و کویری یزد، ۲- موقعیت سوق‌الجیشی یزد، ۳- موقعیت راهبردی مواصلاتی یزد، ۴- قدمت شهری یزد. و عوامل انسانی عبارتند از: ۱- سلسله حاکمان محلی دوستدار فرهنگ و آبادانی و مورد اعتماد قدرت مرکزی در یزد، ۲- نگاه حمایتی حکومت‌های مرکزی ایران به یزد، ۳- حضور مؤثر و مستمر سادات و علمای دینی در یزد، ۴- حضور مؤثر اقلیت‌های دینی (به ویژه زرتشتی‌ها) در یزد. در ادامه، این دو دسته عوامل به طور مختصر تشریح می‌شوند.



واقع شدن یزد در منطقه کویری ایران و شرایط اقلیمی حاکم بر این منطقه باعث شده در طول تاریخ هیچ‌گاه اقتصاد ایللیاتی و مبتنی بر کوچ‌نشینی در یزد شکل نگیرد و حتی اقتصاد کشاورزی نیز سهم نسبتاً کمی از اقتصاد این منطقه را در بر گیرد. در عوض، به خاطر موقعیت مواصلاتی این منطقه و گذر راه‌های تجاری مهم ایران از این شهر یا اطراف آن (از جمله راهی که شهرهای جنوبی ایران را به شهرهای مرکزی و شمال و شمال غربی ایران و خراسان را به فارس متصل می‌کرد)، همواره صنایع دستی و کارگاهی و تجارت، مرکز ثقل اقتصاد یزد را تشکیل می‌داده و بر همین اساس، یک مرکز شهری پایدار و مستمر در این منطقه شکل گرفته است. دوری یزد از مرزهای سرزمینی ایران نیز سبب شده بود این شهر کمتر در معرض حمله فاتحان ایران که از سرزمین‌های مجاور ایران می‌آمدند، قرار بگیرد. همچنین، دورافتادگی این شهر و کویر گسترده اطراف آن، این شهر را از آسیب اقوام کوچنده داخل ایران دور نگه داشته بود.

در واقع، وجود بیابان‌های گسترده در اطراف شهر و نبود مرتع در این منطقه از یکسو وجود دامپروری و زندگی ایللیاتی و خصلت‌های همراه با این زندگی از جمله سلحشوری و جنگ‌آوری را از مردمان این منطقه دور داشته بود و از سوی دیگر «درهم‌آمیزی اقتصاد شهری و روستایی و ایللیاتی» - آنچه اشرف (۱۳۵۳ و ۱۳۵۸) و پیران (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵) خصوصیت عمده اقتصاد ایران می‌دانند - کمتر در این منطقه صورت گرفته است؛ در عوض، یک نوع اقتصاد شهری (فعالیت‌های کارگاهی و تجاری)، در تمایز آشکار با اقتصاد عشایری و ایللیاتی، در این منطقه شکل گرفته بود. به ویژه که خشکی هوا زمینه را برای رشد و توسعه برخی صنایع کارگاهی تبدیلی مانند حناسابی، و محصور بودن منطقه در کویر و دورافتادگی آن، زمینه را برای تبدیل یزد به انبار بزرگ و امن کالاهای تجاری فراهم کرده بود. با شکل‌گیری اقتصاد شهری، روحیات متناسب با آن نیز در مردمان این شهر نُضح یافته است. به بیان پاپلی یزدی، «این بیابان‌های خشک اطراف کویر یزد که جای تربیت اسب نبود، وقتی هم که اسبی نبود جنگی هم نبود. کمبود علف باعث شد که مردم شهرهایی مثل یزد صلح‌طلب باشند نه جنگجو. مردمی که اسب نداشتند، گاو کاری هم نمی‌توانستند نگه دارند باید از اعماق زمین آب در می‌آوردند و خودشان زمین را شخم می‌زدند. این مردم

کجا وقت جنگ کردن داشتند؟ آنها دایم با طبیعت در حال جنگ بودند و دیگر چه لزومی داشت که با آدم‌ها بجنگند؟» (پاپلی یزدی، به نقل از جوادیانزاده ۱۳۹۵: ۲۰).

در مجموع، اگر بنا بر نظر پیران (۱۳۸۴) بپذیریم که سرپل بودن ایران میان سه قاره آسیا و آفریقا و اروپا همواره ایران را به مرکز ثقل کشاکش‌های محلی، منطقه‌ای و سراسری تبدیل کرده بود، در مورد یزد ائتفاقی تقریباً برعکس افتاده بود. یعنی این شهر به عنوان یک سرپل و گذرگاه تجاری با اهمیت در ایران، نه مرکز کشمکش بلکه تقریباً مرکز ثقل امنیت و آرامش محلی و منطقه‌ای بوده؛ از این رو اگر از تعبیر پیران (همان) استفاده کنیم، می‌توان گفت در یزد رویه مثبت هستی ایرانی یعنی «رونق راه‌های تجاری، افزایش ثروت، بالا رفتن تولید صنایع کارگاهی و ثبات» بر رویه منفی این هستی یعنی «هرج و مرج و درگیری شدید و نابودی و قتل و غارت و انحطاط شهری و قطع شدن راه‌های تجاری» غلبه کرده بود.

با مروری بر تاریخ سیاسی یزد نیز این نکته آشکار می‌شود که در دوره‌های تاریخی نسبتاً طولانی، و به ویژه در گذرگاه‌های تاریخی مهم سرزمین ایران، امنیت نسبی بر یزد حاکم بوده و این منطقه، در مقایسه با بسیاری از مناطق دیگر کشور، از تلاطمات سیاسی و نظامی به دور بوده است. به نظر می‌رسد موقعیت مرکزی یزد در سرزمین ایران و در عین حال، دورافتادگی آن از مراکز تحول‌خیز ایران در گذشته، باعث شده در ساختار قدرت و نظام سلطه در ایران جایگاه نسبتاً حاشیه‌ای و فرعی داشته باشد و مدعیان قدرت و حکومت چشم طمع چندانی به این منطقه نداشته باشند از این رو، قدرت در این منطقه به نمایندگانی از حکومت مرکزی واگذار شود که طمع کمتری به قدرت دارند. همچنین اشراف بالای حکومت مرکزی بر این منطقه و اقتصاد تجاری و قوی این منطقه باعث شده که حکومت‌های محلی شکل گرفته در این منطقه استقلال نسبتاً بیشتری داشته باشند و دور از نظارت‌ها و دخالت‌های نزدیک و پی در پی حکومت مرکزی، بتوانند حاکمیت نسبتاً خودمختار خود را، در مقایسه با حاکمیت مناطق نزدیک به قدرت مرکزی، تجربه کنند. البته از سوی دیگر، موقعیت مواصلاتی یزد و نقش آن به عنوان چهارراه تجاری کشور و نیز تعامل و سازگاری حاکمان محلی یزد با حکومت‌های مرکزی - که ایجاد پیوندهای زناشویی با سلسله‌های مرکزی و ارسال ملازم از نموده‌های آن است - باعث شده بود همواره حکومت‌های مرکزی



ایران نگاه اعتماد‌آمیز و حمایت‌آمیزی به این منطقه داشته باشند و حاکمان محلی یزد بتوانند با اتکا بر این اعتماد و حمایت، بیشتر به آبادانی و توسعه این شهر بپردازند و در ساخت بازار، کاروانسرا، مسجد، کتابخانه، و ایجاد امنیت راه‌ها و همچنین دعوت و استقبال از دانشمندان و علما و صاحبان حرف مختلف اهتمام ویژه‌ای داشته باشند.

جمع شرایط پیش‌گفته سبب شده است شهر یزد در دوره‌های زیادی از تاریخ، آرامش و امنیت قابل توجهی را تجربه نماید و در این دوره‌ها سلسله‌ها و خوانینی در منطقه یزد بر سر کار بیایند که هم در درون آنها و هم از یک سلسله به سلسله دیگر انتقال قدرت به آرامی و بدون کشمکش رخ دهد. همچنین حاکمان محلی اهتمام خوبی به آبادانی و رونق اقتصادی و فرهنگی یزد داشته‌اند. حاصل همه اینها، تداوم آبادانی و تمدن و انباشت فرهنگ و سرمایه اجتماعی قابل توجه در یزد بوده است؛ به ویژه که رخ ندادن حوادث طبیعی گسترده (مثل زلزله) در یزد نیز به این انباشت مادی و معنوی، که بافت شهری و معماری سنتی یزد بخشی از آن است، کمک کرده است (مرشدی، در دست چاپ).

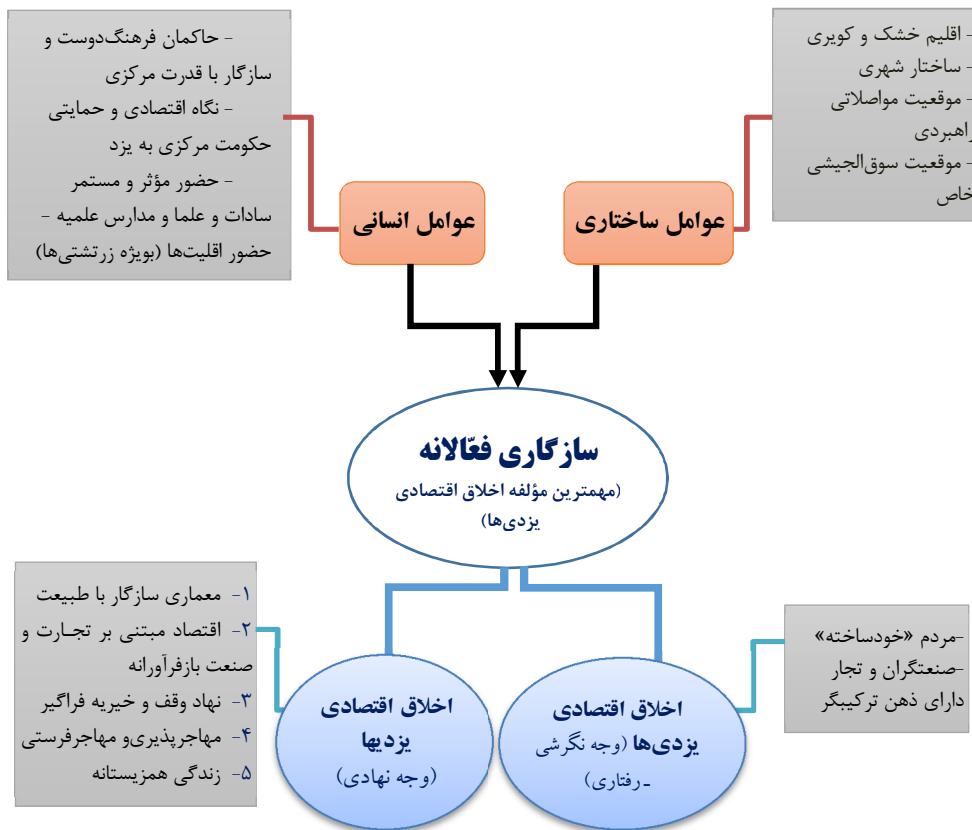
در مجموع، می‌توان گفت در بخش زیادی از تاریخ، یزد آنگونه که کاتوزیان (۱۳۷۷) در مورد جامعه ایران می‌گوید، چندان هم «جامعه کوتاه‌مدت» نبوده و چرخه جامعه کوتاه‌مدت کمتر در مورد یزد صدق می‌کند. بلکه بعکس، در طول تاریخ شاهد تداوم و انباشت نسبی انواع سرمایه مادی و فرهنگی و اجتماعی در این منطقه بوده‌ایم.

همچنین شهر یزد یکی از شهرهایی بوده که از دیرباز دین و علمای دینی در آن نقش برجسته‌ای داشته‌اند و نهادهای آموزشی و خیریه‌ای متعددی را در یزد ایجاد و سرپرستی کردند (مسرت، ۱۳۸۹؛ یوسف جمالی و دیگران، ۱۳۹۴). در ارتباط با اخلاق اقتصادی یزدی‌ها، می‌توان یکی از نقش‌های آشکار و پنهان سادات، علما و فقهای شهر را آن دانست که با مشروعیت بخشیدن به کار و فعالیت در دنیا به ویژه با مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های تجاری و صنعتی و گسترش و ترویج قواعد فقهی مربوط به کسب و کار و بازار، به عنوان یکی از حامیان اصلی اینگونه فعالیت‌ها در یزد ظاهر شدند و در مقاطع مختلف تاریخی نقش قابل توجهی را در حفاظت از شهر و رونق اقتصادی و تجاری آن ایفا کردند. در سده‌های اخیر، در یزد، ارتباط نزدیک روحانیون و بازاریان به صورت نزدیکی خانه‌های

علما و تجار در محدوده بازار و همچنین تعدد مساجد و مدارس علمیه و حسینیه‌ها در داخل و جنب بازار یزد و نیز تعدد مغازه‌های وقفی در درون بازار که موقوفه مدارس و حسینیه‌ها هستند، تجلی یافت (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد که مساجد یزد در ارتباط با بازار نه تنها به فضای کسب و کار مشروعیت می‌بخشیده، بلکه به مثابه میدان‌های فرهنگی عمل می‌کرده که کنشگران اقتصادی اعم از کسبه و بازاریان را گرد هم جمع می‌آورده است.

یزد همچنین یکی از شهرهایی بوده که به خاطر دوری از مراکز تحوّل‌خیز ایران و امنیت نسبی آن، از چندین سده قبل تاکنون محل استقرار اقلیت‌های دینی به ویژه زرتشتیان بوده است (شمس اسفندآبادی، ۱۳۹۶) و این اقلیت به ویژه با آغاز عصر جدید (علی‌الخصوص با ظهور دو تجارتخانه جمشیدیان و جهانیان) نقش مؤثری در رونق اقتصادی یزد و اخلاق کسب و کار ایفا نمودند (میرحسینی، ۱۳۸۰؛ تشکری‌بافقی، ۱۳۷۷). اقلیت‌های قومی یا دینی معمولاً در هر جامعه‌ای به خاطر محدودیت‌هایی که در حوزه‌های سیاسی و تبلیغی دارند، بیشتر توان خود را در حوزه اقتصادی متمرکز می‌کنند و همچنین برای جلب پذیرش اجتماعی، برجستگی‌های اخلاقی بیشتری از خود نشان می‌دهند. این امر در مورد اقلیت‌های دینی در یزد به ویژه در مورد زرتشتی‌ها صدق می‌کند. به طور خلاصه می‌توان چگونگی تأثیر اقلیت زرتشتی بر اخلاق اقتصادی یزدی‌ها را به این شرح برشمرد: ۱- زرتشتیان تحت تأثیر آموزه‌های دین زرتشت مبنی بر «پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک» و با توجه به موقعیت اقلیت خود، در حوزه اقتصادی و تجاری راست‌گفتاری و راست‌کرداری را در پیش گرفته‌اند و قاعدتاً این امر به ایجاد فضای اخلاقی هم‌افزا در یزد کمک کرده است، یعنی یک رقابت نامحسوس بین مسلمانان و زرتشتیان در رعایت اصول اخلاقی را سبب شده است. ۲- زرتشتیان به دلیل ارتباط با پارسیان هند، به ویژه در آغاز عصر جدید در ایران، توانسته بودند به پل ارتباطی مناسبی برای تجارت بین تجار ایرانی (یزدی) و هندی تبدیل شوند. ۳- با توجه به شرایط سخت اقلیمی و اجتماعی، زرتشتیان دریافته بودند که باید اهل سازش باشند و به طور غیرمستقیم این ویژگی را در میان مردمان یزد تقویت کردند.





نمودار شماره ۱: مدل نظری الگوی اخلاق اقتصادی یزدی‌ها و عوامل مؤثر بر آن

وضع کنونی «میدان علی» (عوامل ساختاری و انسانی) مؤثر بر اخلاق اقتصادی یزدی‌ها

برای ارائه راهکارهای حفظ و بازآفرینی اخلاق اقتصادی یزدی‌ها (به عنوان یک سرمایه غیرملموس) لازم است وضعیت کنونی عوامل ایجاد کننده اخلاق اقتصادی مردم این شهر روشن گردد. به بیان دیگر، لازم است بررسی شود که از دو دسته «عوامل ساختاری» و «عوامل انسانی» که در طول تاریخ در یزد باعث شکل‌گیری بُعد «رفتاری - کنشی» و «نهادی» اخلاق اقتصادی یزدی‌ها شده، کدام‌ها در عصر حاضر پایدار مانده و کدام‌ها کم اثر شده و یا از بین رفته است. با تحلیل شرایط کنونی یزد، می‌توان گفت از میان عوامل ساختاری، تقریباً همه عوامل مؤثر در گذشته همچنان در حال حاضر تا حد قابل توجهی

فعال و مؤثرند؛ یزد مانند گذشته دارای اقلیم خشک و کم‌آب است، همچنان از موقعیت سوق‌الجیشی ویژه‌ای (موقعیت «نه در حاشیه و نه در متن») برخوردار است و در چهارراه مواصلاتی اصلی کشور (هم راه شوسه و هم راه ریلی) قرار دارد، و از ساختار شهری قوی برخوردار است (علاوه بر برخورداری از قدمت شهری، در چند دهه پیش به استان مستقل تبدیل شده و نسبت جمعیت شهری به جمعیت روستایی آن در کشور رتبه نخست را داراست و از زیرساخت‌های شهری خوبی برخوردار است). از میان عوامل انسانی نیز می‌توان گفت همچنان حکومت مرکزی به یزد اعتماد قابل توجهی دارد و یزدی‌ها در بدنه حاکمیت کشور حضور و نقش پررنگ و مؤثری دارند. همچنین جریان دینی و حوزوی اصیل و ریشه‌داری در یزد وجود دارد و همچنان این جریان ارتباط مؤثر و نزدیکی با عموم مردم دارد و بالتبع نقش برجسته‌ای در تربیت دینی و اخلاقی آنان دارد. اما نکته پراهمیت آن است که در کنار جریان حوزوی و دینی، در دهه‌های اخیر با ایجاد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی متعدد در استان، جریان دانشگاهی و علمی (از نوع علم جدید) نیز در یزد ایجاد شده و روز به روز بر حضور و نفوذ آن افزوده می‌شود. همچنین با اینکه در دهه‌های گذشته بر اثر مهاجرت، از تعداد اقلیت‌های یهودی و زرتشتی در یزد بسیار کاسته شده است، اما همچنان یزد یکی از مراکز اصلی زرتشتی‌نشین ایران محسوب می‌شود و این اقلیت از جایگاه و منزلت اجتماعی بیشتری برخوردار گردیده است، هرچند از رونق تجارت در میان زرتشتیان و ارتباط تجاری گسترده آنان با پارسیان هند و ... خبر چندانی نیست.





جدول ۱: وضعیت عوامل ساختاری و انسانی مؤثر بر اخلاق اقتصادی یزدی‌ها در عصر حاضر

| | | |
|---------------|--|---|
| عوامل ساختاری | اقليم خشک و کويری | کم‌آب، هوای گرم و خشک، سهم کم اقتصاد کشاورزی |
| | موقعیت سوق الجیشی ویژه | واقع شدن در مرکز سرزمین ایران و دوری از مرزهای سرزمینی، موقعیت ویژه «نه در حاشیه و نه در متن» |
| | موقعیت مواصلاتی و تجاری | قرارگیری در شاهراه ارتباطی بنادر جنوب به مرکز و شمال ایران (محل گذر راه‌های جاده‌ای و ریلی اصلی کشور) |
| | غلبه ساختار شهری | یزد به عنوان استان مستقل، دارای نسبت بالای جمعیت شهری به روستایی، یکدستی مذهبی و قومی و زبانی، هویت و فرهنگ شهری باسابقه، زیرساخت‌های شهری مناسب (آموزش، بهداشت، فناوری اطلاعات و ...) است |
| عوامل انسانی | نگاه حمایتی و اعتمادآمیز حکومت مرکزی به یزد و حضور حاکمان همگام و سازگار با قدرت مرکزی | اعتماد و نگاه حمایت‌آمیز حکومت مرکزی به یزد، حضور نسبتاً گسترده و مؤثر مدیران یزدی در بدنه مدیریتی کشور |
| | حضور مستمر و مؤثر افراد برجسته علمی و دینی و فرهنگی | حضور جریان مستمر دینی و حوزوی و علمایی، حضور جریان علمی (به معنای جدید) و دانشگاهی |
| | حضور اقلیت‌های دینی | کاسته شدن از تعداد اقلیت‌های یهودی و زرتشتی در یزد (با مهاجرت گسترده)، اما یزد همچنان به عنوان یکی از مراکز اصلی زرتشتی‌نشین ایران است. (هر چند فاقد ارتباطات تجاری و اقتصادی گسترده با خارج از کشور است) |

عوامل جدید در «میدان علی» یزد در عصر جدید

ارائه هرگونه پیشنهاد و راه‌حل برای برنامه‌ریزی آینده یزد، باید با در نظر گرفتن این نکته بسیار مهم باشد که در عصر جدید در جوامع بشری از جمله در ایران عوامل متعدّد جدیدی ظهور یافته و با ظهور این عوامل، به اصطلاح، «قواعد بازی» تا حدّ زیادی تغییر کرده است. بنابراین لازم است همه عوامل ساختاری و انسانی مؤثر بر اخلاق اقتصادی

یزدی‌ها در کنار عوامل نوظهور مورد توجه قرار گیرد. عوامل جدید و نوظهور به دو دسته عوامل عام (جهان شمول) و عوامل خاص ایران قابل تقسیم است. عوامل عام نوظهور را می‌توان به شرح زیر نام برد:

- ظهور صنعت و فناوری جدید (اقتصاد صنعتی یا سرمایه‌داری) که پیامدهایی چون تولید انبوه، تقسیم کار گسترده، فضای رقابتی زیاد و ... را به دنبال دارد.

- ظهور شهرنشینی جدید (گسترش بی‌رویه شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر) که پیامدهایی مانند فردگرایی، مصرف‌گرایی، تغییر شکل روابط اجتماعی و ... را باعث شده است.

- فضای ارتباطی و رسانه‌ای گسترده که پیامدهایی مانند تهاجم و تبادل گسترده فرهنگی و کمرنگ شدن مرز میان فرهنگ‌ها، سیالیت باورها و اعتقادات دینی، مصرف‌گرایی، فرم‌گرایی و ... را ایجاد کرده است.

اما ایران، به مانند هر کشور دیگری، دارای شرایط خاص خود است. عوامل نوظهور خاص ایران را می‌توان به شرح زیر نام برد:

- اقتصاد دولتی و مبتنی بر نفت که منتج به شکل‌گیری بوروکراسی عریض و طویل، عدم کارایی، ایجاد رانت و ... شده است.

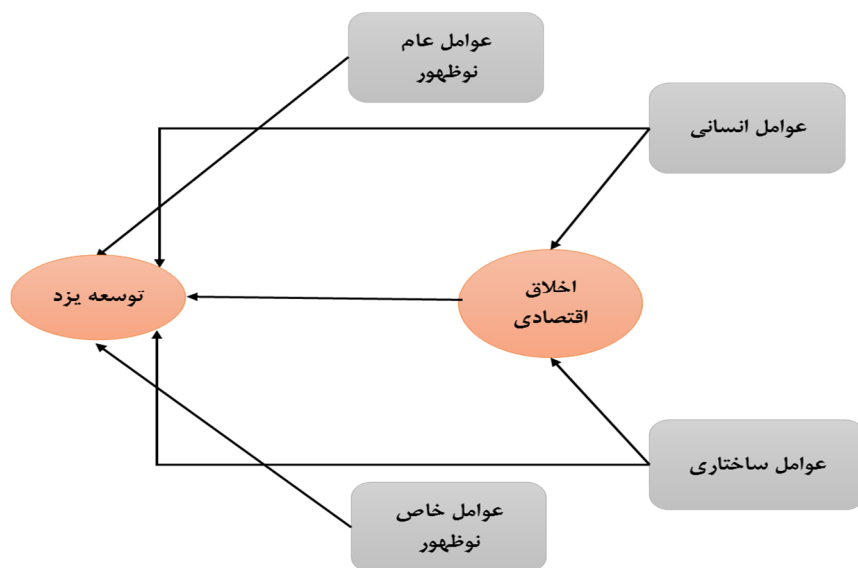
- صنعت مونتاژ (و وابسته به خارج) که منجر به پیوند نخوردن علم و دانشگاه به صنعت و عدم شکل‌گیری توسعه علمی و صنعتی درون‌زا شده است.

- تکیه‌گاه (بیش از اندازه) نهاد دین به دولت (حکومت) که به کاهش اعتماد به دین و به ویژه نهاد روحانیت شده است.

اما نکته مهم و قابل ذکر آن است که یزد به مناسبت دور بودنش از مراکز صنعتی و جمعیتی بزرگ، مانند اغلب نقاط کشور، با موج‌های متأخر و تعدیل شده صنعتی شدن و مدرن شدن مواجه است و از این‌رو، فرصت بازاندیشی در آن و تجربه‌آموزی از دیگران دارد.

براساس آنچه تاکنون بیان شد، می‌توان وضعیت توسعه کنونی یزد و عوامل مؤثر بر آن را در مدل زیر به تصویر کشید:





نمودار شماره ۲: عوامل مؤثر بر توسعه استان یزد

جمع‌بندی و توصیه‌هایی برای سیاستگذاران استان

با همهٔ توصیفاتی که تا اینجا آمد، می‌توان گفت تصمیم‌گیران و مدیران استان یزد دوراهی سختی را پیش رو دارند که در یک عبارت، می‌توان آن را انتخاب میان «توسعهٔ انسان‌محور و پایدار» یا «توسعهٔ صرفاً اقتصادی و سودمحور» استان دانست. طبیعی است که این نوشتار گزینهٔ نخست را توصیه کند. به تعبیری، اگر بپذیریم «سازگاری فعالانه» (در سه بُعدی که در بالا بدان اشاره شد) مهمترین ویژگی و نشان (برند) خاص یزدی‌هاست، می‌توان گفت این خصوصیت یزدی‌ها با توسعهٔ صرفاً اقتصادی و سودمحورانه (توسعهٔ بی‌محابا و افسارگسیخته) که مستلزم در افتادن با نظام هستی و سلطه بر نظام طبیعی و بر هم زدن نظام اجتماعی و حتی تجاوز به حقوق انسان‌های بسیاری (حداقل، نسل‌های آینده) است، سازگار نیست بلکه با توسعهٔ انسان‌محور و پایدار که مستلزم همزیستی با نظام هستی، نظام اجتماعی و نظام طبیعی است، همخوانی دارد.

در مجموع، اگر بپذیریم که شهر یزد به بیان فرهادی (۱۳۸۷)، دارای «سنت» غنی و زنده، و «پتانسیل فرهنگی» بالقوه و به بیان فاضلی (۱۳۹۵)، دارای «سرمایه فرهنگی» و «سرمایه نمادین» ارزشمندی است، هرگونه توسعهٔ استان باید در امتداد این سنت و در

جهت حفظ و تقویت سرمایه فرهنگی و نمادین نهفته در این استان صورت گیرد. همچنین اگر بپذیریم «بی‌آزاری» و «همزیستی» با طبیعت و انسان‌های دیگر یکی از آموزه‌های اصلی حکمت ایرانی و دین مبین اسلام است (نصر ۱۳۸۵؛ ساشادینا ۱۳۸۶؛ دادبه ۱۳۹۳) و یزد را یکی از کانون‌های اصلی و پویای «حکمت ایرانی و اسلامی (شیعی)» بدانیم (اعوانی، ۱۳۹۷)، باید پذیرفت که توسعه استان یزد نه تنها نباید به نادیده گرفته شدن و آسیب دیدن همه این ویژگی‌ها منجر شود، بلکه باید به گونه‌ای باشد که بتواند این ویژگی‌ها را به شکوفایی و احیای واقعی برساند و یزد را در عصر جدید همچنان به عنوان یکی از کانون‌های ترکیب خلاق حکمت ایرانی و اسلامی معرفی نماید.

در واقع، اگر اولاً به سنت پرورش‌یافته در یزد که می‌توان آن را تجلی «خرد ایرانی» و «خرد کویری» - با ویژگی مهم «حفظ تعادل بین عناصر مادی و معنوی» - دانست (مرادی، ۱۳۹۰)، و دوماً، به هشدارها در مورد تأثیرات مخرب توسعه صرفاً اقتصادی و سودمحور و رشد شتابان صنعت و فناوری جدید و بزرگ شدن اقتصاد، که برگرفته از خرد ابزاری است (هایدگر ۱۳۷۳؛ نصر ۱۳۹۱؛ سروش ۱۳۸۸)، توجه نماییم، می‌توان با الهام از ایده «کوچک زیباست» (شوماخر، ۱۳۹۰) توصیه کرد که چشم‌انداز توسعه یزد باید توسعه انسان‌محور، جامعه‌محور و پایدار مبتنی بر صنایع همزیست با طبیعت باشد.

همچنین اگر چندجهانی شدن و چندفرهنگی شدن یا «دورگه شدن» فرهنگ‌ها (برگر و هانتینگتون ۱۳۸۴؛ رجایی ۱۳۸۲) در عصر جدید را واقعیتی گریزناپذیر بدانیم، به ویژه با توجه به ثبت جهانی یزد و موج ورود جهانگردان و مهاجران به شهر یزد، باید گفت این شهر نیز به لحاظ فرهنگی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت (چنانچه تحت تأثیر قرار داده است). با توجه به سابقه این شهر در مهاجرفرستی و مهاجرپذیری و همزیستی با اقلیت‌های دینی، به نظر می‌رسد این شهر ظرفیت برخورد فعالانه با این موضوع را دارد و لازم است سیاستگذاران و مسئولان شهر با بهره‌گیری از سابقه و ظرفیت این شهر در همزیستی با فرهنگ‌های دیگر، فعالانه با این موضوع برخورد نمایند؛ یعنی به جای تلاش برای حفظ یکدستی فرهنگی شهر، در جهت تقویت هویت یزدی و خودباوری و خودآگاهی فرهنگی یزدی‌ها بکوشند تا تاب‌آوری این فرهنگ در برابر موج‌های چندفرهنگی افزایش یابد و



بتواند همزیستی خوب با فرهنگ‌های جدید وارد شده در یزد داشته باشد و حتی بتواند آنها را در خود هضم نماید.

در مجموع، با توجه به نکات یاد شده در بالا، برای تقویت هر چه بیشتر جنبه‌های مثبت اخلاق اقتصادی یزدی‌ها و بهره‌گیری از آن در جهت توسعه انسان‌محور و پایدار استان یزد، می‌توان پیشنهادهای زیر را برای سیاستگذاران استان ارائه نمود:

- ارتباط نزدیک‌تر و هم‌افزایی نهادهای فرهنگی و اجتماعی با نهادهای اقتصادی و صنعتی و تجاری استان (در هم تنیده دیدن مسائل اقتصادی و فرهنگی استان) و اهتمام جدی به تدوین و اجرای پیوست‌های فرهنگی و اجتماعی و زیست‌محیطی برای هر طرح توسعه استان.

- تقویت «اقتصاد تعاونی و اجتماعی» در یزد و بهره‌گیری از «مدل‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی نهادگرا و اجتماع‌محور» در برنامه‌های توسعه استان.

- برجسته‌سازی نام (برندسازی) یزد به عنوان شهر «امن» و «امانت‌دار» (دارالامن و دارالامانه) و دارای «موقعیت سوق‌الجیشی خاص» و بهره‌گیری از آن برای برجسته‌سازی بعد تجاری و مالی یزد و تقویت نهادهای مالی و بانکی استان.

- گسترش «صنایع کوچک و تبدیلی و بازفرآورانه» همزیست با اقلیم یزد (از جمله صنایع دستی، صنایع کم‌آبخواه و کمتر آلوده‌کننده هوا و محیط زیست، بهره‌ور از امکانات اقلیمی به ویژه آفتاب و خشکی هوا، صنایع تبدیلی و واسط مانند صنایع بسته‌بندی، صنایع انبارداری و ...) و «فناوری‌های نو متناسب با اقلیم خشک یزد» (از جمله انرژی خورشیدی).

- تقویت و تثبیت «حافظه جمعی» یزد و «خودآگاهی تاریخی و فرهنگی» یزدی‌ها در حوزه تجاری، صنعتی، کارآفرینی و ... با بازخوانی و بازشناسی میراث صنعتی، تجاری، کارآفرینی یزد و انتقال آن به تجار، صنعتگران، کارآفرینان و فعالان اقتصادی معاصر یزدی با تأکید بر «مورد اعتماد بودن»، «کار» و «درستکاری» و «میان‌ه روی و رواداری (خیرالامور اوسطها)».

- به روایت درآوردن داستان زندگی بزرگان تجاری، صنعتی و فرهنگی یزد در طی تاریخ (پیگیری جدی طرح «تاریخ شفاهی یزد»، تهیه فیلم، مستند، کتاب، کلیپ و

پوشش‌هایی (کمپین) در فضای مجازی با عنوان «داستانِ راستانِ یزدی» و ترویج آن در مدارس و مراکز آموزشی، در میان اصناف و بازاری‌ها، کارآفرینان و کارفرمایان و ...

• بهره‌گیری از امنیت و خوشنامی استان برای پویاسازی محیط علمی و فرهنگی آن (ارتباط پویا با مراکز علمی و فرهنگی ملی و بین‌المللی، برگزاری رویدادهای بزرگ علمی و فرهنگی در یزد، ترغیب بزرگان فرهنگی و علمی ملی و بین‌المللی برای سفر به یزد و زندگی در این شهر).

• حفظ هویت مذهبی استان متناسب با «مقتضیات دنیای جدید» و تلاش مدارس و علمای دینی برای ارائه‌ی الگویی از سازگاری اسلام با مقتضیات دنیای جدید و همزیستی با فرهنگ‌ها و ادیان دیگر (روحیه‌ی رواداری) و بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای «هیئت‌های مذهبی» و مساجد و مجالس مذهبی در این راستا.



منابع و مآخذ:

- ابوبی‌مهریزی، محمدرضا (۱۳۸۳)، سادات نعمت‌اللّٰهی یزد در عهد صفوی، یزد: واحد نشر بنیاد ریحانه‌الرسول.
- _____ (۱۳۹۱)، تاریخ فرهنگی یزد (در روزگار شاه عباس ثانی و شاه سلیمان صفوی)، تهران: انتشارات دکتر محمود افشاریزدی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۸)، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، تهران: زمینه.
- افشار، ایرج (۱۳۷۱ و ۱۳۷۷)، یزدنامه (جلد اول و دوم)، نگارش و گردآوری ایرج افشار، تهران: انتشارات جداگانه.
- برگر، پیتر و ساموئل هانتینگتون (۱۳۸۴)، چندجهانی شدن؛ گوناگونی فرهنگی در جهان کنونی، ترجمه علی کمالی و لادن کیانمهر، تهران: انتشارات روزنه.
- تشکری‌بافقی، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، مشروطیت در یزد، یزد: انتشارات مرکز یزدشناسی.
- _____ (۱۳۹۲)، یزد عصر صفوی، یزد: اندیشمندان یزد.
- جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۴)، تاریخ یزد، تصحیح ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جوادیان‌زاده، مجید (۱۳۹۵)، یزد در تراز گفتگو، یزد: آرتاکاوا.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود (۱۳۹۱)، بازار یزد و بازارچه‌های پیرامونی آن در دویست سال اخیر، تهران: بنیاد ایران‌شناسی.



- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲)، پدیده جهانی شدن وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشر آگه.
- ساشادینا، عبدالعزیز (۱۳۸۶)، مبانی همزیستی اجتماعی در اسلام، ترجمه سید محمدرضا هاشمی، قم: نشر ادیان.
- شمس اسفندآبادی، حمیدرضا (۱۳۹۶)، تعاملات اقلیت‌های دینی یزد در دوره قاجار، یزد: اندیشمندان یزد.
- شوماخر، ارنست اف. (۱۳۹۰)، کوچک زیباست؛ اقتصاد با ابعاد انسانی، چاپ ششم، تهران: انتشارات سروش.
- شیرین‌کام، فریدون و ایمان فرجام‌نیا (۱۳۹۰)، پیشگامان رشد، تهران: اندیکا.
- قلمسیاه، اکبر (۱۳۷۳)، یزد در سفرنامه‌ها، یزد: مؤسسه انتشارات یزد.
- کاتب، احمد بن حسین (۱۳۸۶)، تاریخ جدید یزد، به کوشش: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد ۳)، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.
- مسرت، حسین (۱۳۹۵)، یزد یادگار تاریخ، تهران: انتشارات دف.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۵)، دین و نظم طبیعت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۹۱)، اسلام، علم، مسلمانان و فناوری [در گفتگو با مظفر اقبال]، ترجمه مهدی کفائی، حسین کرمی، تهران: مرکز نشر دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- هانتینگتون، ساموئل و لارنس هریسون (۱۳۸۸)، اهمیت فرهنگ، گروه ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، چاپ دوم تهران: امیرکبیر.
- ابویی مهریزی، محمدرضا (۱۳۸۴)، سیر حیات فرهنگی خاندان کاکویه، بررسی‌های نوین تاریخی، شماره ۱: ۹-۱۸.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴: ۷-۴۹.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۷۳)، جبر جغرافیایی یا توان‌های محیطی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳-۱۶.
- _____ و مهدی سقایی (۱۳۸۱)، سنت و مدرنیته؛ بازخوانی یک مقاله: جغرافیا عبارت است از روابط متقابل انسان، (فرهنگ) تکنولوژی، مدیریت و محیط، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۵ و ۶۶: ۸-۳۱.
- پیران، پرویز (۱۳۸۴)، نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران، اندیشه ایرانشهر، شماره ۶: ۲۲-۳۴.
- _____ (۱۳۸۵)، هویت ملی جامعه ایران (گفتگو)، مجله چشم‌انداز ایران، شماره آبان و آذر: ۱۲-۲۳.
- حکیمیان، هادی (۱۳۹۴)، یزد در عصر زندگی، فصلنامه فرهنگ یزد، سال شانزدهم، شماره ۵۳-۵۲: ۵۸۳-۶۰۸.

- دادبه، اصغر (۱۳۹۳)، یزد خاستگاه کم‌آزاری، فصلنامه فرهنگ یزد، سال پانزدهم، شماره ۵۱-۵۰: ۱۱-۱۴.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۸)، صنعت و قناعت: تأملاتی در بدی و نیکی نظام تکنیکی، در: تفرج صنع، گفتارهایی در اخلاق، صنعت و علم انسانی، تهران: انتشارات صراط.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۷)، ریشه‌های یاریگری و مشارکت در اندیشه و زندگی ایرانیان، گفتگوی علیرضا جاوید با مرتضی فرهادی، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۷: ۴-۲۹.
- ————— (۱۳۹۳)، صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن؟ (آسیب‌شناسی روند توسعه پایدار در ایران)، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، شماره ۱: ۷۱-۱۳۰.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۰)، انسان‌شناسی حافظه، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ، <http://anthropology.ir/article/30219.html> (تاریخ رؤیت ۱۳۹۸/۱۱/۲۰).
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۷)، «جامعه کم‌آب و پراکنده: الگوی تحوّل درازمدت اجتماعی - اقتصادی در ایران»، در: نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران، نفت و توسعه اقتصادی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر مرکز.
- کریمی، علی (۱۳۹۲)، حافظه جمعی و فرایند هویت‌یابی: تأملاتی سیاست‌گذارانه، مجله مطالعات ملی، شماره ۵۴: ۳-۲۶.
- مرادی، محمدعلی (۱۳۹۰)، خرد و باغ ایرانی، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۳۵: ۱۴-۱۷.
- مرشدی، ابوالفضل؛ علی‌نژاد، منوچهر، تحلیلی انتقادی بر مدل‌های تبیینی کلان از تاریخ سیاسی اقتصادی ایران با تأکید بر تاریخ محلی شهر یزد، مجله جامعه‌شناسی تاریخی. (در دست چاپ)
- ————— و منوچهر علی‌نژاد، بازشناسی اخلاق اقتصادی یزدی‌ها: سازگاری فعالانه، مجله مطالعات اجتماعی ایران. (در دست چاپ)
- مسرت، حسین (۱۳۸۹)، سادات غریبی در یزد، در: روحانی فرهنگ‌دوست؛ یادمان شادروان وزیری یزدی، یزد: انتشارات اندیشمندان، ۲۵-۳۶.
- هایدگر، مارتین (۱۳۷۳)، پرسش از تکنولوژی، ترجمه شاپور اعتماد، ارغنون، شماره ۱: ۱-۳۰.
- یوسف جمالی، محمدکریم و دیگران (۱۳۹۴)، اوضاع فرهنگی یزد در قرن هشتم هجری، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، سال شانزدهم، شماره اول، شماره مسلسل ۶۱: ۱۶۷-۱۹۲.



سایر منابع:

- اعوانی، غلامرضا (۱۳۹۷)، حکمت ایرانی در جهان امروز، سخنرانی در دانشگاه یزد.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۵)، تأملی درباره سرمایه فرهنگی و اجتماعی یزد، سخنرانی در استانداری یزد.
- میرحسینی، محمدحسن (۱۳۸۰)، بازرگانی یزد در دوره ناصرالدین شاه، پایان‌نامه دکترا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، استاد راهنما: دکتر تنهاتن نصری.



- Halbwachs, Maurice (1992), *On collective memory*, Chicago: The University of Chicago Press.

یادداشت‌ها:

- ۱- این مقاله برگرفته از پژوهشی است با عنوان «بازشناسی اخلاق اقتصادی یزدی‌ها در پرتو توسعه پایدار و اقتصاد مقاومتی» که از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد مورد حمایت قرار گرفته است.
- ۲- می‌توان حافظه جمعی را این‌گونه تعریف کرد: «فکر، احساس و داوری نخبگان و مردم عادی درباره گذشته که به مثابه موجودی عینی به موازات گذر نسل‌ها تصحیح و تکمیل می‌شود و برای آنها منبع هدایت اخلاقی و عنصر سازنده تمایز فرهنگی و هویتی است» (شوارتز و کیم، ۲۰۱۰: ۲۰؛ به نقل از کریمی، ۱۳۹۲: ۹). پایبندی مردم به روایت‌ها، به یادمان‌ها و به انجام مناسک خاطره‌ای، مهم‌ترین معیارهایی‌اند که با آن می‌توانیم میزان پایبندی به حافظه تاریخی را بسنجیم (فکوهی ۱۳۹۰).



۲۶

سال اول، شماره ۲
تابستان ۱۳۹۸

اخلاق اقتصادی یزدی‌ها: زمینه‌های شکل‌گیری و دلالت‌های آن ...

The economic ethics of people in Yazd: The formation grounds and its manifestations in the provincial policies

Abolfazl Morshedi, Manochehr AliNejad

Abstract

In this article, while reviewing the main components of the economic ethics of people in Yazd, the factors affecting the formation of this type of behavior among the people are introduced. Then, the stability of previous factors and emerging factors affecting the economic ethics of people in the new world will also be examined. Finally, some approaches will be introduced to take advantage of the positive aspects of these ethics in order to achieve sustainable development and economics in isolation in this province. The method used in this research is historical, analytical and documentary. By relying on the heritage inherited in Yazd as a manifestation of Iranian wisdom and desert wisdom (the most important feature of which is coexistence with nature and other human beings and the balance between the material and spiritual dimensions of man and the world), this article on the junction of "purely economic development and profit-oriented" and sustainable and human-centered development, prescribes the second option for Yazd and in the field of culture, instead of preserving the cultural unity of the city, recommends efforts to strengthen the cultural self-confidence and self-awareness of people and also strengthen the coexistence with other cultures.

Keywords: Economic Ethics in Yazd, Active Adaptation; Iranian Wisdom; Desert Wisdom, Sustainable Development; Cultural Coexistence



۱۲۸

سال اول، شماره ۲
تابستان ۱۳۹۸